

تشکیلات اقتصادی فاطمیان در مصر

دکتر حمیدرضا وردی^۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۷/۰۴

چکیده

حکومت فاطمی در سال ۲۹۷ (ق) در شمال افریقا استقرار یافت و در مدتی کمتر از هفتاد سال مصر را در اختیار گرفت و به سرعت پایه های حکومت خود را استقرار بخشید. هدف از نگارش این مقاله بررسی اقتصاد فاطمیان و تاثیر آن بر پایداری حکومتشان برای مدتی بیش از دویسم قرن، میباشد که به روش کتابخانه ای و با مراجعه به منابع معتبر نوشته شده است. فرضیه اصلی این است که فاطمیان با استفاده از یک نظام اقتصادی مبتنی بر تجارت، کشاورزی و مالیات توانسته اند نفوذ سیاسی خود را توسعه داده و ادعای خلافت بر جهان اسلام را داشته باشند. مساله مورد بررسی اینست که دستگاه اقتصادی فاطمیان چگونه عمل می کرده و آنها برای تامین نیازهای اقتصادی و بسط اقتدار خویش در مصر از چه منابعی مالی کمک می گرفته اند و چه اهدافی از توسعه این منابع به منظور کسب درآمد، داشته اند؟ سرانجام بیان این نتیجه که فاطمیان از یک اقتصادکار آمد و درآمدزا به منظور توسعه مقاصد سیاسی، اجتماعی، عقیدتی و بقای حکومت سود برده اند.

کلید واژه ها: دیوانسالاری فاطمیان، تاریخ اقتصادی، تجارت مصر، مالیات مصر، کشاورزی.

^۱ استادیار گروه الهیات معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. drverdi91@gmail.com

مقدمه

فاطمیان در شمال افریقا (افریقیه) با تلاشهای داعیان اسماعیلی در سال ۲۹۷ (ق) قدرت یافتند و با این ادعا که وارثان خلافت اسلامی می باشند، استقلال خود را از حکومت عباسی اعلام داشته، رفته رفته پایه های قدرت خویش را مستحکم نموده و مصر را در سال ۳۶۸ (ق) به متصرفات خود افزودند و برای اینکه از دیگر رقیبان قدرتمند و متمدن زمان خود عقب نمانند، اقدام به تاسیس نهاد های تمدنی از جمله مراکز بزرگ علمی، کتابخانه ها، بیمارستانها، و دیوان های گوناگون که هر یک وظیفه ای خاص بر عهده داشت، نمودند.^۱

اقتصاد متکی بر تجارت و کشاورزی یکی از عوامل برجسته ی پایداری نظام سیاسی آنها برای بیش از دو قرن و نیم بوده است. تجارت دریایی آنها در حوزه مدیترانه و رودخانه نیل و تجارت زمینی با سودان، شام و حجاز، برقرار بود. کشاورزی آنها طبق معهود متکی به نیل بود و خلایقیت آنها برای مقابله با تغییرات آب نیل که در امور اقتصادی مصر بسیار مؤثر بود، شکوفا شد. نیل به عنوان مهمترین عامل پایداری کشاورزی در این سرزمین و زندگی بخشبه توده مردم مصر و عاملی برای اقتدار اقتصادی حاکمان آن بوده است. بررسی وضعیت مالیاتها در مصر تا حدودی زیادی بیانگر این مطلب است که میزان و انواع این مالیاتها نیز تحت تأثیر تغییرات آب و طغیان نیل بوده است به طوری که در سالهای پر آب بسیاری از مالیاتها را کاهش می دادند ولی در مجموع به سبب توسعه کشاورزی و تولید بیشتر محصول مالیاتها افزایش می یافت در حالیکه کم آبی، قحطی هایی را بدنبال داشت.^۲ دیوانها و خزانه های موجود در قصرهای حکام فاطمی خود بیانگر نوعی اقتصاد متکی به دربار و ناشی از و اوضاع اقتصادی مناسب برای پیشبرد مقاصد نظامی سیاسی و اعتقادی آنها بوده است.

فاطمیان برای سروسامان دادن به اوضاع اقتصادی مملکت خویش اقدام به تاسیس نهادهای گوناگون نمودند. به تعبیر دیگر آنها یک نظام دیوان سالاری در اقتصاد به وجود آوردند و از این طریق پایه های حکومت و دولت خویش را استقرار بخشیدند. ثروت خاندان حکومتی و وزیران، تجارت پررونق، نظام مالیاتی کارآمد و همه جانبه و کشاورزی هدفمند، بیانگر این واقعیت است که آنها بدنبال توسعه قدرت سیاسی و اقتصادی خود در این منطقه از دنیای اسلام بوده اند و با این کار سعی داشته اند خود را تنها وارثان خلافت اسلامی جلوه دهند.

مرجع مطالب این مقاله منابعی است اغلب به زبان عربی که در قرون میانه تاریخ اسلام نوشته شده است. از نفیس ترین این آثار، احکام السلطانیه و الولايات الدینیة نوشته الماوردی (۴۴۵-۳۶۴ هـ

ق) می باشد. فلقشندی (۸۲۱-۷۵۶ ق) نیز در کتاب صبح الاعشی که از بهترین کتابهای نوشته شده در مورد تاریخ فاطمیان و تشکیلات دیوانی آنهاست، به تشکیلات اقتصادی فاطمیان حین بیان تشریفات حکومتی پرداخته است. تقی الدین احمد بن علی مقریزی (۱۴۴۲-۱۳۶۴ م) در کتاب اتعاض الحنفاء، ابن ممتی (۶۰۶-۵۵۴ ق) در قوانین الدواوین، ابن الطویر (۶۱۷-۵۲۴ ق) در نزهه المقلتین، ابن تغری بردی (۸۷۴-۸۱۲ ق) در النجوم الزاهره فی ملوک مصر والقاهره و ماجد عبد المنعم (۱۹۹۹-۱۹۲۱ ق) در نظم الفاطمیین، مطالبی در این همین زمینه ها بیان داشته اند.

از آثار جدید نیز می توان به کتابهای التاریخ الفاطمی الاجتماعی و التاریخ الفاطمی السیاسی نوشته رزق الله ایوب، کتاب لمع القوانين المضمیه فی دوانین الدیار المصریه اثر عثمان بن ابراهیم النابلسی و کتابهای جرجی زیدان (۱۹۱۴-۱۸۶۱ م) مثل تاریخ مصر الحدیث و تاریخ تمدن اسلامی و کتاب المجمع فی تاریخ دمیاط نوشته جمال الدین الشیال، معجم الاوائل فی تاریخ المغرب والمسلمین نوشته صالح سید و تاریخ سیسیل از عزیز احمد (۱۹۷۸-۱۹۱۴ م)، اشاره کرد.

بیان مساله

در قرن سوم و چهارم هجری قمری گرچه به لحاظ تمدنی جهان اسلام دوره باشکوهی راسپری می کرد ولی پیدایش دولتهای مستقل و نیمه مستقل متعدد منجر به تنازعاتی میان این دول گردید که مهمترین آنها تنازع میان عباسیان، فاطمیان و امویان اندلس بوده است. این تنازع فقط بر سر قدرت نبود بلکه هر یک از آنها خود را وارث خلافت اسلامی می دانست و برای اثبات این ادعا سعی می کرد گوی سبقت را در حوزه های گوناگون قدرت بویژه سیاسی نظامی و اقتصادی از دیگران برپاید. نقش اقتصاد به عنوان عاملی که در همه حوزه های دیگر تاثیرگذار است، نقشی کلیدی برای هر دولت تشنه قدرت برای تثبیت پایه های حکومتش خواهد بود.

بررسی مسایل اقتصادی فاطمیان در مصر و چگونگی برخورد آنها با معضلات اقتصادی و راهکارهایی که برای حل این مشکلات تدبیر کرده اند و از طرف دیگر، نحوه اداره و توسعه نهاد های اقتصادی، وضع مالیاتهای گسترده، روابط تجاری، کشاورزی و نوآوری در این زمینه، کمک شایانی خواهد بود تا بدانیم مسلمانان در این منطقه از جهان اسلام، تا چه میزان به امور مملکت داری اهتمام ورزیده و به سروسامان دادن به امور اداری و اقتصادی برای بقای خود توجه داشته اند؟ اینکه دستگاه اقتصادی فاطمیان دارای چه مراتب و تشکیلاتی بوده است؟ مظاهر این قدرت اقتصادی که موجبات دوام حکومت ایشان را بدنبال داشت، چه بوده است؟ تجارت و کشاورزی آنها تا چه اندازه کارآمد بوده

و نظام درآمد و مالیاتی آنها چگونه عمل می کرده است؟ از جمله سوالهایی است که باید پاسخ داده شود، تا مشخص گردد فاطمیان از تشکیلات اقتصادی گوناگونی که وضع کرده بودند، برای پایداری حکومت خود سود برده اند.

فاطمیان در مصر

فتح مصر توسط جوهر صقلی سردار فاطمیان، نقطه آغازین ورود فاطمیان به عصر شوکت و شکوفایی تمدنی آنها در این سرزمین کهن می باشد. به دنبال همین فتح بود که زمینه های لازم برای حرکت فرهنگی اقتصادی فاطمیان ایجاد شد. آنها دولت خود را که مبتنی بر عقاید اسماعیلی و جامعه ای متشکل از عناصر قبطی، عرب و ربر بود پایه ریزی نمودند. از اولین مسایلی که خیلی زود به آن پرداختند، تغییر ساختار اداری و اقتصادی و تشریفات مربوط به حکومت و دولت بود. آنها از تجربه ها و دست آوردهای سایر دولتهای اسلامی به ویژه عباسیان پیروی کردند و آنها را در نهادهای حکومت خود به کار بستند.

دیوانسالاری فاطمیان

منظور از دیوان نهادهایی هستند که وظیفه ای خاص اعم از اداری، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی یا وظایف دیگر را عهده دار بوده اند. در تمدن اسلامی از این تشکیلات عموماً تعبیر به دیوانسالاری می شود. در صدر اسلام و در دوره نبی اکرم (ص) بود که اولین نهاد اقتصادی که از آن تعبیر به بیت المال می شود، تاسیس شد. گرچه این نهاد یک دیوان دارای تشکیلات خاص نبود ولی سنگ بنای تشکیلات اقتصادی در دنیای اسلام بود. سپس در دوره خلیفه دوم بنا بر نیاز حکومت دیوانهایی تاسیس شد از جمله آنها دیوان خراج بود که وظیفه ای آن دریافت خراج از زمینهای فتح شده و رتق و فتق امور اقتصادی حکومت بود. در دوره اموی دیوانهای دیگری تاسیس شد سفاح اولین خلیفه عباسی دیوانی کامل در مرکز خلافت تاسیس کرد و شعبه های آنرا در دیگر شهرها دایر نمود.^۳ فاطمیان اداره مرکزی دستگاه حکومتی خود را مانند عباسیان و امویان از طریق مجموعه ای از دیوانها انجام می دادند که در راس آن سه دیوان انشا، جیش و اموال بود.^۴ دیوان اموال دیوانی بزرگ بود که کارهای پر حجم مثل بنای قصرها، قلعه ها، حفر کانالها و اموری از این دست را بر عهده داشت. سرپرست دیوان اموال باید اطلاع کافی از اینگونه امور داشته باشد. این دیوان به دو بخش تقسیم می شد، دیوان مربوط به نواحی مختلف سرزمین مصر که به نام دیوان اعمال معروف بود. دیوان مربوط به فسطاط و قاهره که به نام دیوان الباب شناخته می شد. متولی دیوان اعمال، وظیفه رسیدگی

به مالیاتهایی مثل خراجی و هلالی و برخی دیگر مالیاتها، ساخت بناها و کانالها و نظیر آن را عهده دار بود.^۵ امور مربوط به اوقاف در دیوان احباس که زیر مجموعه دیوان اموال بود، رسیدگی می شد. دیوان حشر به اموال مردگان بی وارث و دیوان مفرد نیز وظیفه مصادره اموال امیران و اشرافی که مورد خشم خلیفه قرار می گرفتند را بر عهده داشت.^۶ همه این دیوانها در کسب درآمد برای دولت فاطمی نقش ایفا می کردند. اهمیت پرداختن به امور اقتصادی در دولت فاطمی را از نوع دیوانهای اولیه دایر شده می توان به خوبی تشخیص داد.

فاطمیان تحت تاثیر نظامها و سازمانهای اداری عباسیان و به تبع آن متأثر از فرهنگ و تمدن ایرانی دیوانهای دیگری تاسیس کردند. آنها واژه ها و لقبهای زیادی از فارسی به کار گرفتند که نمود آنرا در تاسیس دیوانهای دستگاههای حکومتی فاطمی می توان مشاهده کرد. این القاب و عناوین در امپراتوری عباسی کاربرد وسیع داشت به این دلیل که اغلب دولتمردان ایرانی بوده به فارسی سخن می گفتند و از آنجا بود که این واژگان به مصر راه یافت.^۷

اوج ترقی و پیشرفت دیوانساری فاطمیان در قرن اول حکومت آنها بر مصر بوده است. در این دوره دستگاه اداری کشور که از اخشیدیان به ایشان ارث رسیده بود، تجدید سازمان و گسترش پیدا کرد.^۸ یعقوب ابن کلس که هنگام فتح مصر توسط جوهر صقلی، متولی دیوان خراج شده بود، نظام اداری، مالی خاصی در مصر دایر نمود که در راس همه آنها سه قوه مجریه، قضاییه و تبلیغات قرار داشت. این نظام دیری نپایید و در پی حوادث پی در پی و ضعف عارض بر دولت به ویژه با آغاز نفوذ گسترده وزیران لشکری، تغییر یافت ولی خطوط اصلی ساختار این نظام همچنان پابرجا ماند.^۹

تشکیلات اداری فاطمیان از سلسله مراتب خاصی پیروی می کرد که در راس آن دستگاه خلافت بود و خلیفه در راس حکومت به عنوان امام قرار داشت. دستگاه وزارت در مرتبه دوم، قرار داشت. در مجموع دوره فاطمی از نظر تشکیلات و تاسیس دیوانها سه دوره را به خود دیده است. اول، دوره استقرار در شمال آفریقا، دوم دوره قدرت که دوره المعز، العزیز، الحاکم و ظاهر فاطمی است، سوم دوره ضعف یعنی دوره المستنصر فاطمی تالعاظد آخرین خلیفه فاطمی که ابوسعید شوشتری یهودی به سبب نفوذ مادر خلیفه و حمایت او از وی، بر امور چیره شد.^{۱۰} تحولات این سه دوره را حتی در سکه هایی که فاطمیان ضرب کرده اند نیز می توان مشاهده کرد به طوریکه در دوره ضعف نام وزیر مسلط بر دستگاه خلافت را در کنار نام خلیفه بر روی سکه ها می توان مشاهده کرد.^{۱۱}

تاریخ اقتصادی فاطمیان

فاطمیان در تمام دوره حکومت خود به سازمان دهی و اصلاحات اقتصادی اقدام نمودند تا به این وسیله شأن و منزلت خود را بزرگ جلوه دهند و پیوسته می‌کوشیدند با نمایش اقتدار خود به عنوان خلیفه مسلمانان در جهان اسلام، نقش عباسیان را در حیات سیاسی و اقتصادی دنیای آن روز کم رنگ جلوه دهند.^{۱۲}

شرایط اقلیمی مصر و بهره‌برداری از نیل، ارتباط تجاری از طریق مدیترانه و دریای سرخ، وجود معادن و مهمتر از همه کشاورزی پر رونق مصر و درآمدهای ناشی از آن و مالیاتهای گوناگونی که از گروههای مختلف جامعه مصر اخذ می‌شد، این امکان را به آنها داد تا بتوانند در همه عرصه‌ها با عباسیان به رقابت برخیزند و حتی در برخی موارد از جمله تجملات درباری و تشریفات گوناگون از آنها پیشی گیرند. در دوره فاطمی ثروت بیشتر در دست حاکمان، والیان و خاندان آنها و تا حدی در دستکسانی بود که در بقای حکومت تلاش می‌کردند. زمانی که المعز فاطمی (۳۶۲ق) به سرزمین مصر آمد، گوشه‌هایی از ثروتش را برای مردم مصر نمایش دادند. مردم از حسب و نسب المعز می‌پرسیدند. المعز در مقابل طلای فراوانی میان مردم توزیع نمود و گفت این است نسب من است.^{۱۳} وی با خود ثروت کلانی را که بر پانصد شتر حمل می‌شد، به مصر آورد.^{۱۴}

قصرهای خلیفه‌های فاطمی انباشته بود از اموال و اشیایی که پیوسته در تشریفات به نمایش گذاشته می‌شد. از جمله آنها تخت طلایی بود که المعز هنگام جلوس بر آن می‌نشست و بنا بر نقل مقریزی یکصد و ده هزار مثقال طلای ناب در آن به کار رفته بود. دختر المعز فاطمی هنگامی که از دنیا رفت، اشیایی برابر با یک میلیون و هفتصد هزار دینار از او برجای ماند.^{۱۵}

بنای قصرهای زیبا، مساجد جامع و بسیاری از بناهای دیگر، دلالت بر ثروت فاطمیان دارد. این جلال و شکوه در دوره العزیز به نهایت درجه خود رسید و ثروت او از ثروت پدرش فزونی گرفت. الحاکم فاطمی زمانیکه خبر آمدن نماینده امپراتور روم را شنید، دستور داد قصر را با فرشها و پرده‌های زربفت تزئین کنند. خواهر الحاکم وقتی از دنیا رفت، فقط از اقطاعی که داشت، پنجاه هزار دینار به ارث گذاشت. از دختر المعز علاوه بر ثروت نقدی، سی هزار لباس خز بر جای ماند.^{۱۶} ثروت المستنصر از گنجینه‌ها و اشیای نفیس از نظر قیمت برابر تمام خلیفگان قبل از او بوده است. ابن تغری بردی شرح مفصلی از گنجینه‌های المستنصر که در قحط سال ۴۶۰ (ق) از خزانه‌های او خارج شد، آورده است: "از جمله صندوقی زمردین که سیصد هزار دینار ارزش داشت و به پانصد دینار فروخته شد و سنگهای گران قیمت که بیش از هشتصد هزار دینار ارزش داشت و به هزار دینار به حراج رفت."^{۱۷}

داراییهای خلیفه فاطمی پنج بخش بوده است.

۱- خزانه‌های گوناگون که در قصرها وجود داشت.

۲- کراع یا اصطبل‌ها که شامل اسبها، شترها و سایر چهارپایان بود.

۳- درآمدهای ناشی از کاشت غله.

۴- درآمدهای متفرقه که قابل محاسبه نبوده است مثل، چوب، آهن، ابزارکشتی و سلاح.

۵- بذل و بخششهای گوناگون مربوط به مطبخ و سفره‌های رنگین، خلعت، عطاپا.^{۱۸}

وزیران همیشه از اربابان خود پیروی می‌کردند و همچون آنها سعی در مال اندوزی و جمع‌آوری ثروت داشتند. جوهر صقلی هنگامیکه مصر را برای ورود المعز آماده کرد، هدایایی به او پیشکش کرد از جمله تخت طلای موجود در قصر الکبیر که المعز بر آن جلوس می‌کرد، یکصد شمشیر طلا که او به ارث گذاشت. افسارهای طلایی، چهل صندوق حاوی ظروف طلا و نقره، یکصد شمشیر طلا که او به ارث گذاشت. جهیزیه دختر ابن کلس بالغ بر دویست هزار دینار بوده است و تنها از املاکی که در شام داشت سیصد هزار دینار درآمد کسب می‌کرد.^{۱۹}

در دوره افضل بن بدر الجمالی، اموال حکومتی در اختیار او بود و از این طریق ثروتی گزاف فراهم آورد و چون از دنیا رفته دستور الامر فاطمی اموالش را به دارالخلافه آوردند و کاتبان مدت دو ماه مشغول ثبت این اموال بودند.^{۲۰}

خزانه‌های قصر

خزانه: خزانه تالارهای بزرگی بود در داخل قصر که محل نگهداری مایحتاج، لوازم و گنجینه‌های سلطانی بود. سرپرستی این خزانه‌ها بر عهده استادان محنک بود و آنها به نوبه خود خدمتکاران دیگری را تحت فرمان داشتند.^{۲۱}

خزانه‌های قصر را از مظاهر اقتصادی بویژه ثروت خلیفگان فاطمی به شمار آورده‌اند. تعداد این خزانه‌ها رامقربزی در خط، پانزده مورد ذکر کرده و شرح مفصلی در مورد هر یک از آنها آورده است.^{۲۲} قلقتندی هنگام توضیح در مورد دارایی‌های خلیفه از هشت خزانه در قصر فاطمی نام می‌برد که ضمن بیان نام این خزانه‌ها به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

۱- خزانه‌الکتب ۲- خزانه‌الکسوة ۳- خزانه‌الشراب ۴- خزانه‌الطعم ۵- خزانه‌السروج

۶- خزانه‌الفرش ۷- خزانه‌السلاح ۸- خزانه‌التجمل.^{۲۳}

خزانه السروج، تالارهای بزرگی بود که در آن چوب دستی‌ها، افسارهای طلایی و نقره‌ای، زینهای طلاکوب و سایر لوازم مخصوص تشریفات، نگهداری می‌شد.^{۲۴} خزانه دیگری بود که در آن انواع فرش از جمله فرشهای، خسروانی زربفت و قالی‌هایی که بهای هر یک سه هزار و پانصد دینار بود، نگهداری می‌شد، بعلاوه پرده‌های حریر زربفت با نقشه ممالک و صورت پادشاهان، که بر آن مدت سلطنت و شرح حال رجال و عمر آنها، نگاشته شده بود.^{۲۵}

در خزانه سلاح، انواع سلاح از جمله، زره‌های طلاکوب، کلاه خودهای نقره‌ای و زرین، شمشیرهای عربی، نیزه، سپرهای زرکوب و ابزاری که به آن مستوفیات می‌گفتند و عبارت بود از عمودی آهنین به طول دو ذراع، نگهداری می‌شد.^{۲۶} در خزانه التجمل، انواع سلاح مربوط به خلیفه، وزیران و امیرانی که در موبک خلیفه بودند، نگهداری می‌شد.^{۲۷}

علاوه بر خزانه‌های هشت گانه‌ای که قلقشندی از آنها نام برده است خزانه‌های دیگری نیز وجود داشته است که مقریزی در خطبه به آنها اشاره کرده است.^{۲۸}

از مهمترین خزانه‌های قصر که نقش برجسته‌ای در اقتصاد فاطمیان ایفا می‌کرد، خزانه المال بود که محل نگهداری اموال، گوهرهای نفیس و پارچه‌های فاخر بود و کسی حساب آنرا نمی‌دانست.^{۲۹} از همین خزانه بود که در قحطهای مکرر در مصر، اموالی را به حراج گذاشتند تا به صورت موقت بر مشکلات اقتصادی فایق آیند بویژه در قحطهای دوره المستنصر فاطمی که مردم بسیار به مشقت و سختی افتادند.^{۳۰} انواع سپرهای زرکوب و نقره‌ای در خزانه الدرغ نگهداری می‌شد و در رکوب خلیفه و دیگر مراسم از آن استفاده می‌شد.^{۳۱}

تجارت فاطمیان

فاطمیان از همان ابتدای تسلط بر مصر متوجه اهمیت تجارت، چه به لحاظ درآمد و چه به لحاظ بسط نفوذ خود بودند. قبل از فاطمیان، تجارت مصر رونق چندانی نداشت و تنها با همسایگان مسلمان و قسطنطنیه، روابط تجاری برقرار بود. موقعیت جغرافیایی مصر و واقع شدن آن بر سر راه مغرب به مشرق و راه دریایی اروپا به مشرق، موقعیت ممتازی برای این سرزمین در صحنه تجارت و سیاست ایجاد نموده بود.^{۳۲}

فاطمیان با استفاده از این امتیاز، مصر را به عنوان مرکز تجارت بین‌المللی قرار دادند و برای توسعه تجارت خود، کانالی بین نیل و دریای سرخ حفر کردند. این کانال در دوره حکومت المستنصر فاطمی به خلیج الحاکمی مشهور بوده است.^{۳۳} تجار فاطمی شبکه وسیعی از روابط تجاری به ویژه با

اروپا و هندوستان فراهم آوردند به این ترتیب تجارت مسلمانان به تدریج از عراق و خلیج فارس متوجه مصر و دریای سرخ شد. ناآرامی های بغداد در این دوره خود عامل مضاعفی شد برای مهاجرت عده زیادی از مردم عراق به مصر بخصوص فسطاط که دروازه مصر محسوب می شد.^{۳۴}

فرما و اسکندریه از مراکز مهم تجاری بین شرق و غرب محسوب می شدند. کشتیها در نزدیکی فرما لنگر می انداختند و کالای آن با چهارپا به دریای سرخ یا اسکندریه حمل می شد و از راه نیل به فسطاط یا قاهره انتقال می یافت یا اینکه از طریق دریای سرخ به هندوچین صادر می شد. بازرگانان در بازگشت کالاهای مشرقی مثل، مشک، عود، کافور و دارچین را به همراه می آوردند.^{۳۵} تجارت با سودان از طریق اسوان برقرار بود. تاجران مصری طرف معامله با سودان عادت داشتند از مصر خارج نشوند. بنابراین تاجران نوبه و سودان خود با کشتی از طریق نیل کالای خود را به اسوان می بردند.^{۳۶} از قرن دوم هجری در پایتخت مصر عده زیادی مهاجر ایرانی وجود داشته اند که شهادت آنها در محکمه ها پذیرفته می شد و این اعتباری برای ایرانیان بود. معروفترین تاجران ابوبکر محمد بن علی مادری بود که املاکی به ارزش چهارصد هزار دینار داشته است.^{۳۷}

فاطمیان در عیذاب بندر دریایی معتبری برای ارتباط با هند و جنوب شرقی آسیا ایجاد کردند و از این طریق سعی کردند در قالب تجارت، عقاید و قدرت خویش را در این مناطق توسعه دهند.^{۳۸} آنها در شهرهای بزرگ بازارهای تجاری دایر کردند. در مصر و شام در دو سوی خیابانها چنین بازارهایی برای کسب و تجارت دایر بود. اجاره دادن هر نوع خانه و اثاثیه رواج کامل داشت.^{۳۹} بخشی از رونق تجارت آنها مربوط می شد به ایجاد اماکنی برای تجارت و استراحت مسافران و تاجران خارجی و از جمله این مراکز مسافرخانه هایی بود که مخصوص اقامت تاجران خارجی بود.^{۴۰} گسترش تجارت بین المللی در مصر و باز شدن بازارهای جدید بر روی مصریان و از طرفی ثروت بی کران دربار فاطمی، موجب شکوفایی و رونق بخشهای گوناگون صنعت و تجارت در مصر شد و شاخه های جدید صنعت ایجاد گشت.^{۴۱}

از مهمترین صنایعی که در این دوره در مصر رونق یافت، صنعت بافندگی بود که صنعت خانگی مصر به شمار می آمد. زنان کتان می رشتند و مردان می بافتند و تاجران قماش، روزانه به آنها اجرت می دادند. شهرهای تنیس، دمیاط و نواحی اطراف آن به ساخت پارچه مشهور بودند. همزمان صنعت سجاده بافی در شهر اسیوط رواج یافت. در این شهرسجاده هایی شبیه سجاده های ارمنی بافته می شد.^{۴۲} کتان پارچه اختصاصی مصر بود و مهمترین کشتزارهای شد رفیوم قرار داشت و به همه جا

صادر می‌شد و حتی به فارس می‌رسید. پارچه های مشهور به بوقلمون را که در تنیس بافته می‌شد، صادر می‌کردند و بخور و عود از شرق دور به مصر می‌آوردند. فاطمیان از طریق مدیترانه محصولات خود را به اروپا صادر می‌کردند و حکومت بیزانس از خریداران عمده پارچه های مصری بودند.^{۴۳}

تجارت پوست رواج کامل داشت و از بلاد زنگبار به غرب آسیا صادر می‌شد. صنایع وابسته به پوست مثل چرم سازی نیز رواج داشت. این صنعت را مصریان از مردم زنگبار آموختند.^{۴۴}

معادن طلای وادی العلاقی در صحرای سوزان سعید در شرق نیل، بین اسوان و عیذاب قرار داشت و مهمترین مرکز جویندگان طلا به شمار می‌آمد. آنها در شبهای نیمه مهتابی در صحرا می‌گشتند و جاهایی را که می‌درخشید، تل انبار نموده، نشان می‌کردند و صبحگاهان کومه‌های ریگی را که علامت زده بودند برای شستشو می‌بردند و طلای آن را استخراج می‌کردند.^{۴۵}

معادن زمرد مصر در بیابان نزدیک سعید قرار داشت. آنها کوه را می‌کندند و زمرد را از اعماق زیاد استخراج می‌کردند.^{۴۶} فاطمیان معادن را جزء بیت المال می‌دانستند و آنها را به اجاره می‌دادند.^{۴۷} صنایع دیگری از جمله شیشه گری و سفالگری نیز بسیار رواج داشت و آنقدر توسعه یافت که پیشه وران کالاهای خود را در ظرفهای سفالی در معرض فروش می‌گذاشتند.^{۴۸}

فاطمیان سیلوهایی داشتند به نام "الاهراء الخلیفه" که گندم و سایر غلات در آن ذخیره می‌شد و به مصرف، سپاه، ناوگان، مسجدها و کارگزاران دولتی می‌رسید. این سیلوهها بین قاهره و فسطاط قرار داشت و میزان ذخیره آن سیصد هزار اردب غله بوده است. غله مورد نیاز را از ساحل مقسبه وسیله باربران و چهارپایان به سیلوهها می‌آوردند و در سیلوههای سلطانی که با اسامی خاص مشخص شده بود مثل بغدادی، الفولو القرافه، ذخیره می‌شد تا در قحطیهای ناشی از کم آبی نیل مورد استفاده قرار گیرد.^{۴۹}

کشاورزی

فاطمیان از آغاز حکومت در مصر به اهمیت فوق العاده نیل در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پی برده بودند و به همین دلیل، المعز به خاطر اینکه جوهر صقلی، قاهره را اندکی دور از نیل ساخته بود، ناراحت شد.^{۵۰} مصر منطقه‌ای سرسبز و حاصلخیز بود و بعد از بین‌النهرین دومین مرتبه را به لحاظ آبادانی در سرزمینهای اسلامی داشت.^{۵۱} تجارت مصر تا حد زیادی به کشاورزی آن بستگی داشت و این خود ناشی از بحرانهایی بود که هر چند سال یک بار با کاهش آب نیل پیش می‌آمد و

قحط و رکود اقتصادی را باخود به همراه می‌آورد و آنها را مجبور به واردات مایحتاج عمومی از سایر ممالک می‌نمود.^{۵۲}

متکی بودن کشاورزی مصر به فرا رسیدن موسم طغیان نیل منجر به تعطیلی زراعت در فصلهای باران زا بود. بنابراین مصر به کشت زمستانی از دیگر نواحی ممتاز شده بود. زمان کشت و زرع بر اساس تقویم قبطی تعیین می‌شد. زمینهایی که آب آن را فرا نمی‌گرفت، بیاض و محصولاتی که نیاز به آبیاری نداشت، دیم خوانده می‌شد. طغیان آب نیل که پیوسته مورد توجه حاکمان مصر بوده و در منابع تاریخی و سال به سال به آن اشاره شده است، حاکی از آنست که این امر تاثیر مهمی در رونق اقتصادی سرزمین مصر داشته است. طغیان نیل باعث می‌شد بسیاری از زمینها را آب فرا گیرد و امکان کشاورزی را سلب نماید لذا آنها کانال‌ها و آبیگرهایی حفر می‌کردند تا آب را در خود نگه دارد و به این وسیله مشکل را حل می‌کردند. زمانیکه آب نیل پایین می‌رفت از آب این کاناها و آبیگرها برای کاشت محصولات استفاده می‌کردند.^{۵۳}

پس از برداشت محصولات زمستانی، اقدام به کشت تابستانی در زمینهای دوسوی کانالهای آب می‌کردند. آب را از طریق ادوات کشاورزی، سطل و دولاها به زمینهای کشاورزی می‌رساندند. در زمینهای پست مجاور کانالها که آب آنها را فرا می‌گرفت، نیشکر و برنج کاشت می‌شد. مهمترین محصولات زمستانی گندم، شبدر، کتان و مهمترین محصولات تابستانی، نیشکر، برنج، نیل، کنجد و اقسام میوه‌ها بوده است. در مصر محصولی به نام «قلقاس» به عمل می‌آمد که شبیه سبب زمینی بود. روغن چراغ از بذر ترب و شلغم استخراج و «زیت حار» نامیده می‌شد.^{۵۴} گندم محصول استراتژیک مصر بود و آن را در سیلوهایی به نام الاهرء الخلیفه نگهداری می‌نمودند و به مصرف، سپاه، ناوگان، مسجدها و کارگزاران دولتی می‌رساندند. این سیلوهها بین قاهره و فسطاط قرار داشت و میزان ذخیره آن سیصد هزار اردب غله بوده است. غله مورد نیاز را از ساحل مقسبه وسیله باربران و چهارپایان به سیلوهها می‌آوردند و در سیلوههای سلطانی که با اسامی خاص مشخص شده بود مثل بغدادی، الفول و القرافه، ذخیره می‌کردند.^{۵۵}

فاطمیان در پی راههایی برای کاهش زیانهای ناشی از طغیان نیل بودند. ساختن سدهای آبی و کانالها از جمله این راه کارها بود. در قرن چهارم هجری دو سد، یکی در عین الشمس به نام «خلیج امیر المؤمنین» و دیگری در سردوس پایین دست عین الشمس قرار داشته است. باز کردن این سدها به این معنی بود که نیل کم آب است.^{۵۶} مهمترین کانالها میان نیل و دریای سرخ حفر شد. در دوره افضل

بن امیرالجبوش کانالی از نیل به شرق حفر شد که به نوبه خود کمکی بزرگ برای کشاورزی مصر به شمار می‌رفته است.^{۵۷}

نقش مقیاس نیل در کشاورزی مصر

مقیاس نیل عبارت بود از ستونی سنگی از مرمر سفید هشت وجهی که ۲۲ ذراع ارتفاع داشت و هر ذراع برابر ۱۲ درجه و هر درجه به ۲۸ قسمت مساوی تقسیم می‌شد و هر قسمت برابر با یک انگشت بود. مشهور است، اولین کسی که برای نیل مقیاس بنا کرد یوسف (ع) بود که مقیاسی را در منف ایجاد نمود. سپس در دوره اسلامی عمروعاص مقیاسی در اسوان و عبدالعزیزبن مروان در حلوان و پس از آن اسامه بن زید مقیاسی در جزیره روضه احداث نمودند.^{۵۸}

متوکل عباسی در سال ۲۴۷ (ق) دستور داد والی او در مصر، یزیدبن عبدالله ترکی، مقیاسی در جزیره روضه بنا کند و این همان مقیاس بزرگی است که در دوره فاطمی مورد استفاده بوده است تا اینکه الظاهر فاطمی در سال ۴۱۵ (ق) دستور داد حفاظی اطراف مقیاس در جزیره بنا شود. شریف ابوطالب عجمی مسئول ساختن آن شد و آنرا با سنگهای سفید بنا کرد هدف از بنای حفاظ این بود که مردم به آن دسترسی نداشته باشند.^{۵۹}

موقعی که موسم طغیان نیل فرا می‌رسید توجه به نیل افزایش می‌یافت و حتی مراسمی برای این بالا آمدن آب و به حد نصاب رسیدن آن بر پا می‌شد. آنها پیوسته مراقب تغییرات سطح آب بودند زیرا همین تغییرات بود که حیات اقتصادی مصر را رقم می‌زد و آنها را از قحطی‌های احتمالی و در نتیجه گران شدن مایحتاج نجات می‌داد. بالا آمدن آب دلالت بر افزایش محصول و خراج داشت و کاهش آن از حد نصاب نشانه کاهش خراج و خشکسالی بود. اگر میزان آن بیشتر از ۱۸ ذراع می‌شد نشانه آبادانی و نقص خراج و کمتر از ۱۴ ذراع نشانه قحطی شدید و در نتیجه افزایش خراج بود. بالا آمدن آب نشانگر این بود که زمینهای بیشتری زیر کشت می‌رفت، غله و حبوبات فراوان می‌شد، در نتیجه کار مردم رونق می‌یافت و اوضاع اقتصادی بسامان می‌شد.^{۶۰} دولت فاطمی هنگام بحرانهای اقتصادی برای رفاه حال مردم مالیاتها را می‌بخشید. المسبّحی در این مورد بیان می‌کند که دواس بن یعقوب کنامی در بحران گندم و غلات که در سال ۴۱۵ (ق) رخ داد، دستوری در فسطاط قرائت کرد که مالیات از همه انواع غلاتی که به فسطاط وارد می‌شد، حذف گردید. این کار موجب فراوانی نان در بازارها و پایین آمدن نرخ آرد شد. بحرانها زمانی رخ می‌داد که آب کاهش می‌یافت یا افزایش بیش از حد آن، موجب غرق شدن محصول و اتلاف زراعت می‌شد.^{۶۱}

قلقشندی درباره مقیاس نیل می‌نویسد: «قبل از خلیفگان فاطمی هنگام کم آبی یا پرآبی نیل، آن را به مردم اطلاع می‌دادند، ولی در دوره فاطمی، زمانیکه آب به حد کمال می‌رسید آن را مخفیانه به اطلاع خلیفه و وزیر می‌رساندند، بدون اینکه کسی متوجه شود تا اینکه برای شانزده روز یکی دو انگشت از خط نشانه تجاوز می‌کرد. آنگاه قاریان در جامع مقس (مقیاس) مستقر می‌شدند و قرآن را ختم می‌کردند و هنگام صبح جارچیان خبر می‌دادند که خداوند متعال خواسته است نیل به تعهد خود وفا کند».^{۶۲}

مراقبت از مقیاس نیل وظیفه دولت بود زیرا ارتباط نزدیکی با حوادث اجتماعی مثل دزدیها و آشوبهای اجتماعی داشت. با کاهش آب نیل غله و حبوبات نایاب و گران می‌شد به همین دلیل خلیفه‌های فاطمی مقیاس نیل را از مردم پنهان نگه می‌داشتند. بامشاهده جدول مقیاس نیل به سادگی می‌توان تشخیص داد که در چه سالهایی سرزمین مصر با خشکسالی یا آبادانی مواجه بوده است برای مثال در سالهای ۳۵۰، ۳۵۵، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۹، ۳۸۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۱۴، ۴۸۹ هجری قمری مصر در معرض خشکسالی بوده است و آبادترین سالها زمانی بوده که آب نیل ۱۸ و بالای ۱۸ ذراع بوده است.^{۶۳}

این مقیاس در ایام قلقشندی و ابن تغری بردی و حتی تا زمان ما یعنی قرن حاضر مورد استفاده حکومت‌های مستقر در مصر قرار می‌گرفته و می‌گیرد. ابن جبیر اندکی پس از سقوط فاطمیان در دیدار از مصر این مقیاس را دیده و شرح مختصری از آن در سفرنامه خود آورده است.^{۶۴}

منابع مالی دولت فاطمی

مالیات و انواع آن

یکی از مهمترین منابع درآمد فاطمیان در مصر، خراج و مالیات‌های گوناگونی بود که دریافت می‌کردند. المعز فاطمی پس از ورود به مصر، یعقوب بن کلس را مأمور خراج مصر کرد و همه صورتهای اموال، حسب و مالیات را به او سپرد. عسلوج بن حسین، یعقوب را در این کار کمک می‌کرد. به این ترتیب یعقوب بن کلس نظامات مالی جدیدی ایجاد کرد که منجر به افزایش ضیاع و اموال

مردم شد.^{۶۵} او عمل اجاره دادن مالیات را ملغی کرد و بسیار تلاش کرد که نظم و پاکدامنی در تعیین مالیات و خراج گرفتن رعایت شود.^{۶۶} در اثر همین تلاشها، میزان مالیات مصر که در دوره طولونی از چهار میلیون دینار تجاوز نمی‌کرد، در سال ۳۶۳ (ق) بالغ بر هفت میلیون دینار شد که پیش از آن هرگز سابقه نداشت.^{۶۷}

قلقشندی انواع مالیاتهای که اخذ می‌شد را به دو دسته تقسیم کرده است:

۱- مالیاتهای شرعی ۲- مالیاتهای غیر شرعی.

مالیاتهای شرعی تحت نظر فقیهان دولت و مالیاتهای غیر شرعی برای هزینه‌های دولت اخذ می‌شد. مالیاتهای شرعی خود بر هفت نوع بوده است شامل: ۱- خراج ۲- مالیات بر معادن. ۳- زکات ۴- جوالی ۵- خمس رومی و مالیات کشتی رانی ۶- اموال بی وارث ۷- حق الضرب.^{۶۸}

خراج: مالیاتی که از زمین اخذ می‌شد و بسته به موقعیت زمین، نواحی و نوع زراعت متفاوت بود، خراج نام داشت.^{۶۹} دیوان خراج یا جباهه خراج در دوره فاطمی شامل چند دیوان کوچکتر از جمله صعید، اسفل الارض و اقطاع می‌شد. در دوره‌الآمر دیوان خاص نیز ایجاد شد و هر یک از این دیوانها سرپرستی جداگانه داشته است. خراجی که از فسطاط جمع آوری می‌شد بین پنجاه هزار تا یکصدویست هزار دینار در روز در نوسان بوده است. از تنیس واشمونین بیش از دویست و بیست هزار دینار در روز جمع می‌شد. باید توجه داشت که میان خراج یا مالیاتی که از بردگان اخذ می‌شد با خراج یا مالیاتی که از زمینهای مزروعی اخذ می‌شد، تفاوت وجود داشته است.^{۷۰}

در دوره المستنصر به سبب قحطی های پی در پی و شورش گروه های مختلف سپاه، درآمد دولت از ناحیه خراج کاهش یافت و تحصیل داران مالیاتی سعی کردند با زیاد گرفتن عوارض و مالیات، کسر درآمد را جبران نمایند ولی با آمدن بدرالجمالی به مصر اوضاع تغییر کرد. او اراضی مصر را محاسبه نمود و میزان خراج حاکمان قبلی را برآورد کرد و مشخص نمود خراجی که وزیران و والیان قبل از او دریافت می‌کرده‌اند از دو میلیون و هشتصد هزار دینار تجاوز نمی‌کرده است در حالیکه در ایام او از سه میلیون و صد هزار دینار تجاوز کرده بود. این افزایش مالیات به واسطه توجه او به امر زراعت و گسترش تجارت بوده است.^{۷۱} با این احوال همانطور که قبلا اشاره شد، دولت فاطمی هر زمان که لازم می‌دید بویژه هنگام بحرانهای اقتصادی و کمبود آذوقه، مالیاتها را می‌بخشید.

قباله: یکی دیگر از طرق اخذ خراج بود. آنها زمینی را برای مدت چهارسال واگذار می نمودند و پول آنرا به صورت اقساط دریافت می کردند و اگر در طول مدت چهار سال هزینه ای بابت حفظ و نگهداری زمین می شد از مبلغ اصلی کم می کردند.^{۷۲}

اقطاع: اقطاع نیز جز مواردی بود که درآمد آن در شمار خراج قرار می گرفت. این اقطاع در واقع زمینهای آبادی بود که به خاطر خدمتهای انجام شده توسط لشکریان و امیران به آنها داده می شد. نوع و میزان اقطاع بر حسب درجه آنها متفاوت بوده است. در آخر دوره فاطمی به سبب قدرت گرفتن وزیران، میزان اقطاع نیز افزایش یافت.^{۷۳}

مالیات بر معادن: مالیاتی بود که بابت استخراج معادن اخذ می شد. در صعيد مصر معدن سنگ شب وجود داشت که آنرا به سواحل اخمیم و اسیوط و به نسا می بردند و از آنجا به اسکندریه حمل می کردند و به بازرگانان رومی می فروختند.^{۷۴} در صحرای غرب دره نیل، نیترون که نوعی سنگ سرخ و سفید بود یافت می شد از این سنگ سالی ده هزار قنطار معادل چهارصد و پنجاه هزار کیلو از معادن، استخراج می شد. نیرون یا نیترو واژه عبری یا مصری است به معنی جوشان که در تهیه باروت و کودهای نیترات کاربرد دارد و معادن مصر و مراکش آن شهرت جهانی دارد.^{۷۵}

معادن طلای مصر به بیت المال تعلق داشت و آنها را اجاره می دادند. این معادن در صحرای صعيد بین اسوان و عیذاب قرار داشت.^{۷۶} معادن زمرد مصر در همین صحرا بود که با کندن کوه آنرا استخراج می کردند.^{۷۷}

زکات: فاطمیان توجه زیادی به سرپرستی امر زکات داشتند. شیعیان اسماعیلی می بایست زکات خود را به داعی فاطمی بپردازند. به این زکات «فطره یا نجوا» می گفتند و مبلغ سه و ثلث درهم بوده است.^{۷۸} المستنصر فاطمی در حکمی که در سال ۴۸۱ (ق) صادر نمود، بر همه مسلمانان واجب کرد که نجوا را بپردازند و کسی که آنرا ترک می کرد مثل تارک نماز و روزه شمرده می شد.^{۷۹} فاطمیان مصرف زکات را از واجبات عینی و منصوص می دانسته اند که رهبران و عالمان دین حق اجتهاد در مورد آنرا نداشته اند.^{۸۰}

جوالی: مالیاتی بود که هر ساله از اهل ذمه اخذ می شد و در کتابهای فقهی از آن تعبیر به جزیه شده است. این مالیات بر هر فرد ذمی اعم از مسیحی و یهودی تا بر عقیده خویش پابرجا بودند، لازم بود و زمانیکه مسلمان می شدند لغو می گشت.^{۸۱} جزیه از مردان آزاده و عاقل گرفته می شد و از زنان، کودکان، دیوانگان و بردگان گرفته نمی شد.^{۸۲} این مالیات به واسطه امنیتی که حکومت اسلامی برای

اهل کتاب فراهم می‌آورد و همچنین به استناد آیه شریفه «قاتلوا الذین لا يؤمنون بالله ولا بالیوم الآخر و لا یحرمون ما حرم الله و رسوله ولا یدینون دین الحق من الذین اوتوا الكتاب حتی یعطوا الجزیة عن یدوهم صاغرون» اخذ می‌شد.^{۸۲}

در مورد اخذ جزیه از مجوس اختلاف نظر وجود دارد ولی چون نبی اکرم (ص) از مجوس هجر جزیه گرفتند، زردشتیان (مجوس) نیز در شمار اهل کتاب بوده و از آنها جزیه اخذ می‌شده است و به دلیل حدیث شریف «سنوا بهم سنه اهل الكتاب» از نظر شرعی نیز جزیه بر آنها واجب بوده است.^{۸۴}

خمس رومی و مالیات کشتی رانی: این مالیات از بازرگانان بیزناس، جنوا و ونیز که به سرزمینهای اسلامی می‌آمدند به عنوان عوارض گمرکی اخذ می‌شد و گاهی تا سی و پنج درصد میزان کالایشان می‌رسید و در برخی موارد به بیست درصد تنزل می‌یافت. از اینجا می‌توان فهمید که فاطمیان با بازرگانان خارجی غیر مسلمان یکسان رفتار نمی‌کرده‌اند و بنابر اقتضای زمان و تحولات سیاسی و اقتصادی مبلغ عوارض در نوسان بوده است. از بازرگانان ذمی در فسطاط، عیذاب، اخمیم و اسکندریه عوارض دریافت می‌شد.^{۸۵}

اموال بی وارث: اموالی بود که از مرده بی وارث برجای می‌ماند و تمام آن عاید حکومت می‌شد. وظیفه اخذ این اموال بر عهده متولی دیوان حشر بود.^{۸۶} در دوره فاطمی به سبب گسترش مسأله توارث، این دیوان رو به ضعف نهاد زیرا در میان شیعیان اگر دختر تنها وارث باشد، همه ماترک را ارث می‌برد و از طرفی خویشاوندان نیز وارث به شمار می‌روند.^{۸۷}

حق الضرب سکه: مالیاتی بود که بابت ضرب سکه شامل سکه‌های طلا، نقره و فلوس یا سکه‌ای که از مس قرمز تهیه می‌شد، گرفته می‌شد.^{۸۸} فاطمیان برای سامان دادن به امر ضرب سکه، اقدام به تأسیس دارالضرب نمودند. دارالضرب قاهره در سال ۵۱۶ (ق) توسط مأمون البطائیچی دایر شد و تا پایان حکومت فاطمی به کار خود ادامه داد. سرپرستی دارالضرب را قاضی القضاة به خاطر مقام و مکاتبی که داشت، عهده دار بوده است.^{۸۹}

وظیفه نظارت بر دارالعیار نیز با محتسب بوده است. مقریزی دارالضرب و دارالعیار را یکی دانسته زیرا این اداره توجه خاصی به وزن و عیار طلا و نقره به کار رفته در سکه‌ها داشته است.^{۹۰} دولت فاطمی در مقابل طلایی که وارد مملکت آنها می‌شد، مبالغی به عنوان دستمزد ضربان و اجرت بازرس عیار سنجی اخذ می‌کرد.^{۹۱}

علاوه بر مالیاتهای هفتگانه‌ی قبلی، در آمدهای دیگری نیز عاید دولت فاطمی می‌شد، از جمله:

مصادره: عبارت بود از ضبط اموال و داراییهای بزرگان و امیران دولتی پس از آنکه عزل می‌شدند یا مورد خشم خلیفه قرار می‌گرفتند. قبل از فاطمیان اخسیدیان در مصر به این کار اقدام می‌کردند. اگر کسی در زندگی از مصادره خلاصی می‌یافت، بعد از مرگ اموال او را مصادره می‌کردند.^{۹۲} الحاکم در سال ۳۹۹ (ق) تمام اموال همسر، مادر، خواهر، عمه‌ها، خواص و کنیزانش را مصادره کرد.^{۹۳} او در سال ۴۰۰ (ق) دیوانی به نام «المفرد» ایجاد کرد که وظیفه مصادره اموال کشته شدگان یا امیران، اشراف و خواص را بر عهده داشت. این دیوان در پایان دوره فاطمی به دیوان «مرتجع» تغییر نام داد.^{۹۴}

اوقاف: فاطمیان برای تأمین یک درآمد ثابت جهت اداره مسجدها، مدرسه‌ها و هزینه‌های آن به وقف اراضی و اماکن دیگر اقدام می‌کردند. قدیمی‌ترین سندی که در مورد وقف از مصر به دست آمده، مربوط به دوره فاطمیان می‌باشد که در آن طلایع بن رزیک در سال ۵۴۴ (ق) نیمی از برکه حبش و بخشی از ناحیه بلقس را بر سادات حسنی و حسینی ساکن در قاهره و مدینه و نواحی نزدیک آن وقف نموده است.^{۹۵} الحاکم در ناحیه فسطاط اماکنی را وقف بر جامع الازهر و دارالعلم کرد. میزان اوقافی که به دارالعلم اختصاص یافت برابر نه و هشت دهم درصد کل درآمدی بود که وقف دیگر مکانها شد.^{۹۶} در دوره وزارت بدرالجمالی اموالی بر خاندان او وقف شد که تازمان مأمون البطائحی در دست و ارثان او باقی ماند.^{۹۷} در نظام اداری دولت فاطمی دیوانی مخصوص امور اوقات وجود داشت که دیوان احباس خوانده می‌شد و بخشی از دیوان اموال به شمار می‌رفت.^{۹۸}

متجر یا درآمد ناشی از انبار کردن غلات: فاطمیان بین قاهره و فسطاط انبارهایی از گندم و سایر غلات داشتند که برای مواقع کمبود در آن ذخیره سازی می‌کردند. به دنبال کمبود غلات در بحران دوره المستنصر فاطمی، تاجران غله و نانوایان را احضار کردند و از آنها تعهد گرفتند که غله‌های احتکار شده را عرضه نمایند.^{۹۹}

در سال ۴۴۴ (ق) یازوری وزیر، دریافت که انبار کردن غلات موجب زیان مسلمانان است زیرا در اکثر موارد نرخ فروش غله تنزل می‌یافت و غله در انبارها می‌ماند. بنابراین پیشنهاد کرد متجری ایجاد شود که بیم کاهش قیمت در آن نباشد و آن عبارت بود از انبار کردن چوب، صابون، سرب و عسل و مانند آنها تا از بابت آن درآمدی کسب شود. به این ترتیب دیوان متجر یا «المتجر الدیوانی السعید» ایجاد شد که به امور مربوط به انبار کردن کالاها رسیدگی می‌کرد.^{۱۰۰}

رباع: اجاره دادن خانه نیز رسم بود. ناصر خسرو در سفرنامه خود بیان می کند که در مصر هشت هزار خانه از آن سلطان بود که به اجاره داده می شد و ماهانه اجاره آنرا می گرفتند.^{۱۰۱}

عوارض راهداری: عوارضی بود که از حاجیان در دولت فاطمی اخذ می شد و آنها برای پرداخت این عوارض به رنج و خفت گرفتار می شدند. چه بسا حاجی که چون به مصر می رسیدند، مخارج خود را نداشتند ولی به پرداخت هفت دینار و نیم ملزم می شدند. این مالیات در شهر عیذاب یا به قول ابن جبیر «دریده چشم فراخ دهان» اخذ می شد ولی با سقوط فاطمیان در زمان سلطان صلاح الدین ایوبی لغو شد.^{۱۰۲}

قلقشندی متذکر می شود که، صلاح الدین ایوبی هشتاد نوع عوارض را که در دوره فاطمیان وجود داشت، لغو کرد. میزان این عوارض به صد هزار دینار در سال می رسید که معروفترین آنها عوارض ادویه بوده است.^{۱۰۳}

یافته ها و نتیجه گیری

در تاریخ و تمدن اسلامی، فاطمیان منشا بسیاری از تحولات در زمینه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بوده اند بویژه در زمینه اقتصادی تشکیلات عریض و طولی داشته اند. آنها برای همه امور اقتصادی خود نظاماتی وضع کرده بودند و از این طرق درآمدهای کلانی به دست می آوردند. این درآمدها کمک می کرد تا به توسعه و بسط نفوذ خود در مصر شام، شمال آفریقا و حوزه مدیترانه اقدام نمایند و از طرف دیگر، هزینه های گوناگون دولت مقتدر و اشرافی خود را تامین نمایند. بررسی وضعیت اقتصادی فاطمیان در مصر روشن می سازد که آنها علاوه بر تامین هزینه های دولت خود فرصت پیدا کرده بودند مظاهر شکوه و جلال دربار خود را به رخ عباسیان و امویان اندلس به عنوان رقیبان اصلی خود، بکشانند و از این طریق خود را به عنوان یکی از مدعیان خلافت در دنیای اسلام مطرح کنند. مطالعه فرهنگ و تمدن فاطمیان خود گویای این حقیقت است که آنها اقدام به تاسیس نظامی دیوانسالارانه با دیوانهای گوناگون نمودند که برخی از آنها یادگار اجداد آنها در این سرزمین بوده است. علاوه بر این به دلیل اهمیت کشاورزی در رونق اقتصاد مصر و ارتباط آن با رضایتمندی و یا آشوبهای مردمی ناشی از قحطی، اقدام به اندیشیدن تدابیری برای حل مشکلات مربوط به کشاورزی نمودند. از جمله ساختن مقیاس نیل، ایجاد سدها، حفر کانالها و ترعه هایی در حاشیه نیل که خود تدبیری مفید برای حل این معضل و نشانگر توجه آنها به وضعیت معیشتی مردم و

تامین نیازهای غذایی آنها بویژه در سالهای قحطی به منظور جلوگیری از آشوبها و ایجاد رضایتمندی و تداوم حکومت خود، بوده است.

برقراری تجارت گسترده با امپراتوری روم و همسایگان، نظام مالیاتی کارآمد و اخذ عوارض گوناگون که موجبات ثروت بی کران دربار فاطمی را فراهم آورد، موجب شکوفایی صنعت، تجارت و کشاورزی گردید و از طرفی این امکان را برای آنها فراهم کرد تا اهداف فرهنگی و عقیدتی خود را نیز دنبال نمایند و داعیان خود را برای گسترش دعوت اسماعیلی به سرزمینهای اسلامی و سایر مناطق گسیل دارند. به این ترتیب آنها توانستند حاشیه امنی برای سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود به عنوان یک دولت مستقل در این منطقه از سرزمینهای اسلامی برای بیش از دو نیم قرن، ایجاد نمایند.

پی نوشت ها:

- ۱- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۹۱)، *العبر و دیوان المبتدا والخبر*، مؤسسه الاعلمی المطبوعات، بیروت، ج ۴، ص ۳۶.
- ۲- محمود ادریس (۱۹۸۶) *تاریخ الحضاره الاسلامیه العصر الفاطمی*، القاہرہ، ص ۱۱۸.
- ۳- زیدان، جرجی (۱۹۰۴) *تاریخ التمدن الاسلامی*، مطبعه الهلال، مصر، ج ۱، ص ۱۷۲.
- ۴- قلقشندی، ابوالعباس احمد بن علی (بی تا) *صبح الاعشی فی صناعة الانشاء*، المؤسسة المصریہ العامہ التألیف، ج ۱۰، ص ۳۵۷.

- ٥- النابلسی، عثمان بن ابراهیم (بی تا) کتاب لمع القوانين المضيئة في دواين الديار المصرية، بينا، ص ٢٨.
- ٦- ابن الطوير، ابومحمد (١٩٩٢) نزهة المقلتين في اخبار الدولتين، نشرات الاسلاميه شتوتجارت، ص ١٠١.
- ٧- ماجد، عبدالمنعم (١٩٥٣) نظم الفاطميين و رسوم هم في مصر، مكتبه الانجل و المصريه، ج ١، ص ٩٥.
- ٨- آربری. آ، ج (١٣٧٧) تاريخ اسلام كمبريج، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات اميركبير، ص ٢٤٣.
- ٩- ابن الصيرفي، ابولقاسم (١٩٩٠) القانون في ديوان الرسائل والاشارة واليمنن الالوزاره، الدار المصريه اللبنانيه، ص ٤٧.
- ١٠- رزق الله ايوب، ابراهيم (١٩٩٧) التاريخ الفاطمي السياسي، الشركة العالميه الكتاب، لبنان، ص ١٠٧.
- ١١- محمود داود، مايسه (بی تا)، المسكوكات الفاطميه، دارالفكر العربي، قاهره، ص ١٠.
- ١٢- ماجد، عبدالمنعم (١٩٥٤) السجلات المستنصریه، دارالفكر العربي، ج ٢، ص ٢٦.
- ١٣- رزق الله ايوب، ابراهيم (١٩٩٧) التاريخ الفاطمي السياسي، الشركة العالميه الكتاب، لبنان، ص ١٠٦.
- ١٤- مقريزي، تقى الدين احمد بن علي (١٤١٨) المواعظ والاعتبار بذكر الخطط و الآثار، دارالكتب العلميه، بيروت، ج ٢، ص ٢٤٩.
- ١٥- رزق الله ايوب، ابراهيم (١٩٩٧) التاريخ الفاطمي السياسي، الشركة العالميه الكتاب، لبنان، ص ١٠٧.
- ١٦- ابن تغرى بردی، جمال الدين (١٤١٣) النجوم الزاهره في ملوك مصر و القاهره، دارالكتب العلميه، بيروت، ج ٤، ص ١٩٥.
- ١٧- مقريزي، تقى الدين احمد بن علي (١٩٥٧) اغائنه الامه بكشف الغمّه، القاهره مطبعه لجنة التأليف، بيروت، ص ١٤.
- ١٨- قلقشندی، ابوالعباس احمد بن علي (بی تا) صبح الاعشى في صناعة الانشاء، المؤسسه المصريه العامه للتأليف، ج ٣، ص ٤٧١.
- ١٩- رزق الله ايوب، ابراهيم (١٩٩٧) التاريخ الفاطمي السياسي، الشركة العالميه الكتاب، لبنان، ص ١١٤.
- ٢٠- ابن خلدون، عبدالرحمن (١٣٩١) العبر و ديوان المبتدا والخبر، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بيروت، ص ٧٠.
- ٢١- ماجد، عبدالمنعم (١٩٥٤) السجلات المستنصریه، دارالفكر العربي، ج ٢، ص ١٣.
- ٢٢- مقريزي، تقى الدين احمد بن علي (١٤١٨) المواعظ والاعتبار بذكر الخطط و الآثار، دارالكتب العلميه، بيروت، ص ٢٩٠.
- ٢٣- قلقشندی، ابوالعباس احمد بن علي (بی تا) صبح الاعشى في صناعة الانشاء، المؤسسه المصريه العامه للتأليف، ج ٣، ص ٤٧١.

- ۲۴- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی (۱۴۱۸) **المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار**، دارالکتب العلمیه، بیروت، ص ۳۰۶.
- ۲۵- زیدان، جرجی (۱۹۰۴) **تاریخ التمدن الاسلامی**، مطبعه الهلال، مصر، ص ۹۸۲.
- ۲۶- ابن تغری بردی، جمال الدین (۱۴۱۳) **النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره**، دارالکتب العلمیه، بیروت، ج ۴، ص ۸۳.
- ۲۷- ماجد، عبدالمنعم (۱۹۵۴) **السجلات المستنصریه**، دارالفکر العربی، ج ۲، ص ۲۱.
- ۲۸- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی (۱۴۱۸) **المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار**، دارالکتب العلمیه، بیروت، ص ۲۹۰.
- ۲۹- ماجد، عبدالمنعم (۱۹۵۴) **السجلات المستنصریه**، دارالفکر العربی، ج ۲، ص ۱۷.
- ۳۰- ابن تغری بردی، جمال الدین (۱۴۱۳) **النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره**، دارالکتب العلمیه، بیروت، ج ۵، ص ۱۹.
- ۳۱- ماجد، عبدالمنعم (۱۹۵۴) **السجلات المستنصریه**، دارالفکر العربی، ج ۲، ص ۲۵.
- ۳۲- ابراهیم حسن، حسن (۱۴۱۱) **تاریخ الاسلام السیاسی و الدینی و الثقافی و الاجتماعی**، دارالفکر، ج ۳، ص ۳۳۳.
- ۳۳- الوردانی، صالح (۱۴۱۴) **الشیعه فی مصر**، مکتبه مدبولی الصغیر، ص ۲۹.
- ۳۴- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۴۰۸) **احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ص ۱۹۹.
- ۳۵- ابراهیم حسن، حسن (۱۴۱۱) **تاریخ الاسلام السیاسی و الدینی و الثقافی و الاجتماعی**، دارالفکر، ج ۳، ص ۳۳۴.
- ۳۶- متز، آدام (۱۳۶۳) **تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری**، ترجمه علی رضا ذکواتی قراکزلو، انتشارات امیرکبیر، ص ۲۲۴.
- ۳۷- مسعودی، ابوالحسن (۱۳۷۰) **مروج الذهب و معادن الجواهر**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ج ۳، ص ۴۱.
- ۳۸- آربری، آ.ج (۱۳۷۷) **تاریخ اسلام کمبریج**، ترجمه احمد آرام، انتشارات امیرکبیر، تهران، ص ۲۵۷.
- ۳۹- متز، آدام (۱۳۶۶) **الحضاره الاسلامیه فی القرن الرابع الهجری**، مطبعه اللجنه التألیف و الترجمه والنشر، قاهره، ص ۲۱۵.
- ۴۰- ماجد، عبدالمنعم (۲۰۱۱) **تاریخ الخلافه الفاطمیه**، دارالفکر، عمان، ص ۱۹۶.
- ۴۱- ابن الطویر، ابومحمد (۱۹۹۲) **نزّهة المقلتین فی اخبار الدولتین**، النشرات الاسلامیه شتوتجارت، ص ۶۴.

- ٤٢- عثمان، هاشم(١٤١٩) الاسماعيليه بين الحقائق و الاباطيل، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، بيروت، ص ٣٦٠.
- ٤١- ابن الطوير، ابومحمد(١٩٩٢) نزهه المقلتين فى اخبار الدولتين، النشرت الاسلاميه شتوتجارت، ص ٦٤.
- ٤٢- عثمان، هاشم(١٤١٩) الاسماعيليه بين الحقائق و الاباطيل، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، بيروت، ص ٣٦٠.
- ٤٣- رمضان، عبدالعظيم(١٩٩٣) تاريخ مصرالاسلاميه، الهيئه المصريه العامه للكتب، مصر، ص ٣٣٤.
- ٤٤- متز، آدم(١٣٦٦) الحضاره الاسلاميه فى القرن الرابع الهجرى، مطبعه اللجنه التاليف و الترجمه والنشر، قاهره، ص ١٨٤.
- ٤٥- متز، آدم(١٣٦٦) الحضاره الاسلاميه فى القرن الرابع الهجرى، مطبعه اللجنه التاليف و الترجمه والنشر، قاهره، ص ١٨٤.
- ٤٦- مؤلف امعلوم (١٣٧٢) حدودالعالم، تصحيح ميراحمدى و ورهرا، انتشارات دانشگاه الزهراء، تهران، ص ٤٥٢.
- ٤٧- النابلسى، عثمان بن ابراهيم(بى تا) كتاب لمع القوانين المضيئه فى دواين الدبار المصريه، بينا، ص ٤٨.
- ٤٨- ماهر محمد، سعاد(١٩٨٦) الفن الاسلاميه، الهيئه المصريه العامه للكتاب، ص ١٥٨.
- ٤٩- ماجد، عبدالمنعم(١٩٥٤) السجلات المستنصرية، دارالفكرالعربى، ص ٢٦.
- ٥٠- رزق الله ايوب، ابراهيم (١٩٩٧) التاريخ الفاطمى الاجتماعى، الشركه العالميه الكتاب، لبنان، ص ١٨٦.
- ٥١- اسميت، برندا(١٣٨٠) مصر باستان، ترجمه آريتا ياسائى، انتشارات ققنوس، تهران، ص ١٨.
- ٥٢- عثمان، هاشم(١٤١٩) الاسماعيليه بين الحقائق و الاباطيل، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، بيروت، ص ٣٦٢.
- ٥٣- محمود ادريس، محمد(١٩٨٦) تاريخ الحضاره الاسلاميه العصر الفاطمى، القاهره، ص ١١٨.
- ٥٤- متز، آدم(١٣٦٢) تمدن اسلامى درقرن چهارم هجرى، ترجمه على رضا ذكاوتى قراگزلو، انتشارات اميركبير، ص ١٦٩.
- ٥٥- ماجد، عبدالمنعم(١٩٥٤) السجلات المستنصرية، دارالفكرالعربى، ج ٢، ص ٢٦.
- ٥٦- مقريزى، تقى الدين احمدبن على(١٤١٨) المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، دارالكتب العلميه، بيروت، ج ٢، ص ٤٠٦.
- ٥٧- الوردانى، صالح(١٤١٤) الشيعه فى مصر، مكتبه مدبولى الصغير، ص ٢٩.
- ٥٨- رزق الله ايوب، ابراهيم (١٩٩٧) التاريخ الفاطمى الاجتماعى، الشركه العالميه الكتاب، لبنان، ص ١٨٩.

- ۵۹- ابن جبیر، محمد بن احمد (۱۳۷۰) **سفرنامه ابن جبیر**، ترجمه پرویز اتابکی، انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۸۷.
- ۶۰- رزق الله ایوب، ابراهیم (۱۹۹۷) **التاریخ الفاطمی الاجتماعی**، الشرکه العالمیه الكتاب، لبنان، ص ۱۸۶.
- ۶۱- المسبّحی، عزالمک محمد بن عبیدالله بن احمد (بی تا) **اخبار مصر**، المعهد العلمی الفرنسی للأثار الشرقیه، قاهره، ص ۷۵.
- ۶۲- قلقشندی، ابوالعباس احمد بن علی (بی تا) **صبح الاعشى فی صناعة الانشاء**، المؤسسه المصریه العامه للتألیف، ج ۳، ص ۵۱۲.
- ۶۳- سامی باشا، امین (۱۳۳۴) **تقویم النیل**، مطبعه الامیریه بالقاهره، ص ۹۷.
- ۶۴- ابن جبیر، محمد بن احمد (۱۳۷۰) **سفرنامه ابن جبیر**، ترجمه پرویز اتابکی، انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۸۷.
- ۶۵- زیدان، جرجی (۱۹۲۵) **تاریخ مصر الحدیث**، مطبعه الهلال، مصر، ج ۱، ص ۱۹۹.
- ۶۶- آربری. آ، ج (۱۳۷۷) **تاریخ اسلام کمبریج**، ترجمه احمد آرام، انتشارات امیرکبیر، تهران، ص ۲۶۳.
- ۶۷- زیدان، جرجی (۱۹۲۵) **تاریخ مصر الحدیث**، مطبعه الهلال، مصر، ص ۱۹۹.
- ۶۸- قلقشندی، ابوالعباس احمد بن علی (بی تا) **صبح الاعشى فی صناعة الانشاء**، المؤسسه المصریه العامه للتألیف، ج ۳، ص ۴۸۸.
- ۶۹- ماجد، عبدالمنعم (۱۹۵۴) **السجلات المستنصریه**، دارالفکر العربی، ج ۱، ص ۱۱۳.
- ۷۰- الماوردی، ابی الحسن علی بن محمد حبیب البصری البغدادی (۱۴۱۶) **احکام السلطانیه و الولايات الدینیّه**، المکتب الاسلامی، بیروت، ص ۲۳۲.
- ۷۱- زیدان، جرجی (۱۹۲۵) **تاریخ مصر الحدیث**، مطبعه الهلال، مصر، ج ۱، ص ۲۲۸.
- ۷۲- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی (۱۴۱۸) **المواعظ و الاعتبار بذکر الخطط و الأثار**، دارالکتب العلمیه، بیروت، ج ۱، ص ۸۲.
- ۷۳- ماجد، عبدالمنعم (۱۹۵۴) **السجلات المستنصریه**، دارالفکر العربی، ج ۱، ص ۱۱۴.
- ۷۴- زیدان، جرجی (۱۹۰۴) **تاریخ التمدن الاسلامی**، مطبعه الهلال، مصر، ج ۲، ص ۲۹۹.
- ۷۵- دانایی، محسن (۱۳۵۲) **کافی شناسی یا شناخت مواد معدنی**، انتشارات دانشگاه مشهد، ص ۲۸۸.
- ۷۶- النابلسی، عثمان بن ابراهیم (بی تا) **کتاب لمع القوانین المضحیه فی دوانین الدیار المصریه**، بینا، ص ۴۸.
- ۷۷- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۷۵) **معجم البلدان**، دارصادر، بیروت، ص ۴۵۲.
- ۷۸- ابن الطویر، ابو محمد (۱۹۹۲) **نزّهة المقلّین فی اخبار الدولتین**، النشرات الاسلامیه شتوتجارت، ص ۱۲۲.

- ٧٩- ماجد، عبدالمنعم(١٩٥٤) **السجلات المستنصرية**، دار الفكر العربي، سجل، ص ٣٣.
- ٨٠-الموردى، ابي الحسنعلى بن محمدحبيب البصرى البغدادى(١٤١٦) **احكام السلطانيه والولايات الدينيه**، المكتب الاسلامى، بيروت، ص ١٠٧.
- ٨١- قلقشندى، ابوالعباس احمدبن على(بى تا) **صبح الاعشى فى صناعة الانشاء**، المؤسسه المصريه العامه للتأليف، ج ٣، ص ٤٥٩.
- ٨٢-ابن ممتى، اسعد(١٤١١) **كتاب قوانين الدواوين**، مكتبه مدبولى، القايره، ص ٣١٧.
- ٨٣- **قرآن كريم**، توبه، ٢٩.
- ٨٤- ابن قيم الجوزيه(١٤١٨) **احكام اهل ذمه**، رمادى النشر، دارابن حزم، بيروت، ج ١، ص ٧٩.
- ٨٥- ابن ممتى، اسعد(١٤١١) **كتاب قوانين الدواوين**، مكتبه مدبولى، القايره، ص ٣٢٦.
- ٨٦- رزق الله ايوب، ابراهيم (١٩٩٧) **التاريخ الفاطمى الاجتماعى**، الشركه العالميه الكتاب، لبنان، ص ١٧٠.
- ٨٧- ابن حجر العسقلانى احمدبن على (١٩٥٧) **رفع الاصر عن قضاة مصر**، المطبعه الاميرييه، القايره، ص ٢٩٦.
- ٨٨- قلقشندى، ابوالعباس احمدبن على(بى تا) **صبح الاعشى فى صناعة الانشاء**، المؤسسه المصريه العامه للتأليف، ج ٣، ص ٤٥٩.
- ٨٩- مكى، محمدكاظم(١٤١١) **النظم الاسلاميه فى اداره الدوله و سياسه المجتمع**، دار الزهراء، بيروت، ص ٢٢٨.
- ٩٠- المسبحى، عزالملك محمدبن عبيدالله بن احمد (بى تا) **اخبار مصر**، المعهد العلمى الفرنسى للآثار الشرقيه، قايره، ص ٧٣.
- ٩١-النابلسى، عثمان بن ابراهيم(بى تا) **كتاب لمع القوانين المضيئه فى دواوين الديار المصريه**، بى تا، ص ٥٢.
- ٩٢-ابن سعيد المغربى، على(١٩٥٣) **المغرب فى حلى المغرب القسم الخاصب الفسطاط**، جامعه فوادالاول، قايره، ص ١٦٥.
- ٩٣-عنان، محمدعبدالله، (١٣٧٩) **الحاكم بامرالله و اسرار الدعوه الفاطميه**، القايره، مطبعه لجنه التأليف والترجمه و النشر، ص ١٣٢.
- ٩٤- قلقشندى، ابوالعباس احمدبن على(بى تا) **صبح الاعشى فى صناعة الانشاء** ، المؤسسه المصريه العامه للتأليف، ج ٣، ص ٥١٢.
- ٩٥- ابن الطوير، ابومحمد(١٩٩٢) **نزهُة المقلتين فى اخبار الدولتين**، النشرات الاسلاميه شتوتجارت، ص ١١٤.
- ٩٦- خفاجى، محمدعبدالمنعم(١٤٠٨) **الازهر فى الفعام**، مكتبه الكليات الازهرية، قايره، ج ٢، ص ٤٤.

- ٩٧- ابن ممتى، اسعد (١٤١١) كتاب قوانين الدواوين، مكتبه مديولى، القايره، ص ٣٣٦.
- ٩٨- ابن الطوير، ابومحمد (١٩٩٢) نزهة المقلتين فى اخبار الدولتين، النشرت الاسلاميه شتوتجارت، ص ١٠٠.
- ٩٩- ابن تغرى بردى، جمال الدين (١٤١٣) النجوم الزاهره فى ملوك مصر و القايره، دارالكتب العلميه، بيروت، ج ٥، ص ١٦٨.
- ١٠٠- مقريزى، تقى الدين احمد بن على (١٩٥٧) اغاثة الامه بكشف الغمه، مطبعه لجنة التأليف و الترجمة والنشر، القايره، ص ٢٠.
- ١٠١- قباديانى، ناصر خسرو (١٣٣٥) ديوان اشعار، تصحيح سيد نصر الله تقوى، انتشارات امير كبير، تهران، ص ٧٣.
- ١٠٢- ابن جبير، محمد بن احمد (١٣٧٠) سفرنامه ابن جبير، تصحيح ويليام رايت، ترجمه پرويز اتابكى، انتشارات آستان قدس رضوى، ص ٨٨.
- ١٠٣- قلقشندى، ابوالعباس احمد بن على (بى تا) صبح الاعشى فى صناعة الانشاء، المؤسسه المصريه العامه للتأليف، ج ٣، ص ٤٦٦.